

سرقت مقرون به آزار در نظام‌های کیفری ایران و انگلستان

سیدمحمد حسینی* امیر اعتمادی**

چکیده

جرم سرقت ساده زمانی که با به‌کارگیری عمل آزاردهنده علیه دیگری یا تهدید به آن توأم می‌گردد، تبدیل به سرقت مشدد می‌شود. این سرقت مشدد که سرقت مقرون به آزار نامیده شده است، تشدید مجازات مرتکب را همراه خواهد داشت. چرایی این امر را باید در اعمال زور و خشونت جستجو کرد که ممکن است زندگی بزه دیده را در معرض خطر قرار دهد. بر این اساس، اگرچه مقابله مؤثر با این جرم کاملاً ضروری است، اما رویکرد قانون‌گذار ایرانی، متبلور شده در ماده ۶۵۲ قانون تعزیرات ۱۳۷۵، دارای برخی نواقص است که از جمله آن‌ها می‌توان به عدم تصریح به واژه «تهدید» در کنار آزار (و اختلاف نظرهای احتمالی ناشی از آن) و نیز مانع‌الشمول نبودن عنصر قانونی جرم بحث اشاره کرد. از این رو، در این مقاله، با توجه به رویکرد نظام کیفری انگلستان در قبال سرقت مقرون به آزار، اصلاحاتی از قبیل گسترش قلمرو جرم و حذف جمله مربوط به مسلح بودن سارق در زمان سرقت از عنصر قانونی این جرم به قانون‌گذار ایرانی پیشنهاد شده است.

* دانشیار گروه حقوق جزایی و جرم‌شناسی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران (نویسنده مسئول)

Smhosseini8338@yahoo.com

** دانشجوی دکتری حقوق جزایی و جرم‌شناسی دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری

Am.etemadi@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۱۰/۶ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۱۲/۲

واژه‌های کلیدی: سرقت ساده، آزار، تهدید، سرقت مقرون به آزار.

۱. مقدمه

جرم سرقت که یکی از مهمترین جرائم علیه اموال محسوب می‌شود، زمانی که با اعمالِ عنف و خشونت توأم می‌گردد، از حالت ساده خود خارج شده و تشدید نوع جرم و مجازات آن را به همراه خواهد داشت. فلسفه این امر را باید در این مطلب خلاصه کرد که سرقت‌های مقرون به آزار از جرائم خشونت‌آمیز محسوب می‌شوند، چراکه ترکیب شدن انگیزه به دست آوردن نفع اقتصادی و ماهیت خشونت‌آمیز جرم، خطرناکی آن را به دنبال خواهد داشت. بر این اساس، تشدید مجازات جرم، نه بر اساس ارزش مال مسروقه که به خاطر خشونت به کار گرفته شده، لحاظ گردیده است. البته، باید دانست که آسیب‌های جسمی و روانی ناشی از این جرم، محدود به وحشت و اضطراب بزه دیده و دیگر اعضای جامعه نیست، بلکه گستره نامحدودی را دارد (Adler, 2008: 258).

هدف‌هایی که مرتکبین این نوع جرم انتخاب می‌کنند، بیشتر شامل محیط‌هایی است که دارای امنیت بالائی نیستند، مانند فروشگاه‌های کوچک، جایگاه‌های پمپ‌بنزین و یا افرادی که در امتداد خیابان در حال راه رفتن هستند (Siegel, 2012: 357) و این موضوع آسیب‌پذیر بودن محیط‌های مذکور و افراد حاضر در آن‌ها را در مقابل سرقت مقرون به آزار بیش‌ازپیش روشن می‌سازد.

بنابراین در راستای حمایت از بزه دیدگان این جرم از یک‌سو و مقابله مؤثر با مرتکبان آن از سوی دیگر، ضروری است که قانون‌گذار ایرانی رویکرد مناسبی را در قبال این جرم اتخاذ کند، اما با نگاهی گذرا به عنصر قانونی جرم مورد بحث، نواقصی را می‌توان یافت که برخی اختلاف‌نظرها را دامن می‌زند و یا احتمالاً رهایی بی‌پایه و اساس مرتکبین را از مسئولیت کیفری موجب خواهد شد. از این رو، بررسی رویکرد یک نظام کیفری خارجی و تطبیق آن با نظام کیفری ایران، بی‌شک می‌تواند راهکارهایی را برای رفع نواقص یادشده به ارمغان آورد. بر این مبنا، حقوق انگلستان را که دیگر همانند سابق عمدتاً بر مبنای آراء قبلی دادگاه‌ها در موارد مشابه و رویه قضایی استوار

نیست و با روند فزاینده تدوین قوانین موضوعه روبرو شده است، برگزیده‌ایم^۱؛ اما قبل از آنکه سؤالات پژوهش را مطرح کنیم، تذکر این مطلب ضروری است که سرقت ساده که یکی از شرایط لازم برای ارتکاب جرم مورد بحث است، در دو نظام کیفری پیش گفته، با وجود داشتن وجوه اشتراک، وجوه افتراق خاص خود را نیز داراست؛ که اشاره‌ای هرچند اجمالی به این وجوه افتراق لازم است. در این راستا، با تعریفی از سرقت ساده در حقوق ایران و انگلستان می‌توان به تبیین این موضوع پرداخت. در حقوق ایران، به موجب ماده ۲۶۷ «ق.م.آ» ۱۳۹۲، سرقت عبارت است از «ربودن مال متعلق به غیر» و در حقوق انگلستان، با امعان نظر به بند ۱ ماده ۱ قانون سرقت ۱۹۶۸^۲، «تصاحب توأم با سوءنیت مال متعلق به شخص دیگر با قصد محروم کردن دائمی وی از آن»، تعریف سرقت ساده است^۳. آنچه مهمترین تفاوت این دو تعریف به شمار می‌آید، همانا استفاده از اصطلاح «ربودن» و «تصاحب» در آن‌ها است. تصاحب که مستلزم فرض کردن حقوق مالک است^۴، ربودن را نیز در بر می‌گیرد و در واقع، تصاحب یک مال، می‌تواند از طریق ربودن آن صورت گیرد. همچنین، تصاحب در حقوق ایران با در نظر گرفتن ماده ۶۷۴ «ق.ت» ۱۳۷۵، یکی از رفتارهای فیزیکی جرم خیانت‌درامانت است و لذا آنچه در حقوق انگلستان، سرقت ساده تلقی می‌شود، ممکن است در حقوق ایران، با لحاظ سایر شرایط، زیر عنوان خیانت‌درامانت قابل بررسی باشد. در هر حال، از آنجاکه موضوع این مقاله، بررسی سرقت ساده نیست، به همین مختصر اکتفا کرده و شرایط اختصاصی جرم سرقت مقرون به آزار را مورد بحث قرار می‌دهیم.

با توجه به مطالب بالا، مقاله حاضر در صدد پاسخگویی به سؤالات زیر است:
 در هر یک از نظام‌های کیفری ایران و انگلستان، واژه «آزار» (که در عنوان سرقت مقرون به آزار به کار می‌رود) چه گستره معنایی را دارد؟ اجزای عناصر مادی و روانی جرم سرقت مقرون به آزار در نظام‌های یاد شده کدامند؟ این دو نظام کیفری، چه وجوه افتراق و اشتراکی را دارند؟ در راستای رفع نواقص رویکرد قانون‌گذار ایرانی، چه راهکارهایی را می‌توان پیشنهاد کرد؟
 در پاسخ به این سؤالات، نخست سابقه تقنینی و عنصر قانونی سرقت مقرون به

آزار را اشاره می‌کنیم؛ سپس، با تحلیل گستره مفهومی واژه آزار و عناصر مادی و روانی این جرم، به میزان مجازات و وجوه افتراق و اشتراک آن پرداخته و در نهایت، رهنمون‌هایی را برای رویکرد قانون‌گذار ایرانی پیشنهاد می‌کنیم.

۲. تبیین مفهوم سرقت مقرون به آزار^۵

سرقت مقرون به آزار یکی از انواع سرقت‌های مقید^۶ به شمار می‌آید. سرقت‌های مقید به آن دسته از سرقت‌هایی گفته می‌شوند که توأم با یکی از کیفیات مشدده باشند، از قبیل مسلحانه بودن سرقت، گروهی بودن آن، واقع شدن سرقت در شب و مقرون به تهدید یا آزار بودن سرقت. در مقابل این دسته از سرقت‌ها، سرقت‌های غیر مقید قرار می‌گیرند که معمولاً زیر عنوان سرقت‌های ساده یا عادی از آن‌ها یاد می‌شود^۷ و همراه با کیفیات مشدده‌ای مانند آنچه ذکر شد، نیستند (ر.ک. جعفری لنگرودی، ۱۳۸۸: ۲۱۵۹ و ۲۱۶۰؛ رشدیه، ۱۳۹۰: ۷۶۷).

برخی تعاریف سرقت مقرون به آزار به شرح زیر قابل ذکر هستند:

«ربودن پول و اموال شخصی یا هر چیز دارای ارزش و قیمت که تحت مالکیت غیر است و نزد اوست، با اعمال فشار و ایجاد رعب و ترس. کسی که متهم به سرقت در این مفهوم است (اخذ مال به عنف) معمولاً باعث صدمه جسمی شده یا تهدید به ایجاد صدمه جدی می‌نماید و یا تهدید به ارتکاب جرم از درجه اول و دوم یا درجه بالایی در تقسیم‌بندی جرائم می‌نماید» (آقائی، ۱۳۸۲: ۹۷۲)؛

«سرقت یا ربایش غیرقانونی مال دیگری به وسیله خشونت یا با تهدید به خشونت»

(Wild, 2006: 229)؛

با توجه به این تعاریف، روشن می‌شود که جرم سرقت مقرون به آزار درعین حال که جرمی خشونت‌آمیز است، جرمی مالی نیز محسوب می‌شود، چرا انگیزه مرتکب از ارتکاب آن همانا سرقت است. گفته شده است که اغلب سرقت‌های مقرون به آزار با سلاح‌های مرگ‌بار ارتکاب می‌یابند و شامل دو یا چند مرتکب می‌شوند، عموماً افراد ذکور جوان. اگرچه اموالی که در نتیجه این جرم سرقت می‌شود، ممکن است ناچیز

باشند، اما به‌کارگیری خشونت آن را به جرمی شدید تبدیل می‌کند، طوری که افراد زمانی که درباره جرائم در خیابان‌ها نگران می‌شوند، اولین دلواپسی آن‌ها جرم سرقت مقرون به آزار است (See, Bruinsma & Weisburd, 2014: 4502 & 4509).

بنابراین، باید توجه داشت که جرم مورد بحث با دیگر عناوین مشابه همچون سرقت مستوجب حد (ماده ۲۶۸ «ق.م.آ» ۱۳۹۲) و ربودنی که مشمول عنوان سرقت نیست (ماده ۶۶۵ «ق.ت» ۱۳۷۵) در حقوق ایران ورود غیرمجاز به ملک غیر برای ارتکاب جرم (از جمله سرقت)^۱ در حقوق انگلستان (ر.ک. هرینگ، ۱۳۹۲: ۱۲۹-۱۲۵)، تفاوت‌هایی را دارا است. مهمترین وجوه افتراق این عناوین مجرمانه به شرح زیر هستند:

اولاً: در هیچ از یک از عناوین مشابه، شرط تحقق جرم، آزار رسانی از سوی سارق در حین ارتکاب سرقت نیست، یا اینکه آزار رسانی در ضمن سرقت تنها یکی از کیفیات مشدده جرم مورد نظر است (ر.ک. ماده ۶۵۱ «ق.ت» ۱۳۷۵) که همراه با سایر کیفیات مشدده لحاظ می‌شود. این در حالی است که در جرم سرقت مقرون به آزار، تنها کیفیت مشدد لازم، آزار رسانی به هنگام ارتکاب سرقت است و می‌توان آن را مهمترین شرط تحقق این جرم محسوب کرد.

ثانیاً: گذشته از اینکه در سرقت مقرون به آزار، شرایط اختصاصی سرقت مستوجب حد (مانند ربایش مال به میزان حدنصاب؛ ر.ک. بند «چ» ماده ۲۶۸ «ق.م.آ» ۱۳۹۲) لازم نیست، در بعضی از عناوین مجرمانه مشابه، اساساً صدق عنوان سرقت ضروری نیست و گاهی اوقات هم فقط قصد سرقت کردن کافی است. ربودنی که مشمول عنوان سرقت نباشد، در حقوق ایران ورود غیرمجاز به ملک غیر برای ارتکاب جرم (از جمله سرقت) در حقوق انگلستان، از این دسته جرائم تلقی می‌شود. باین وجود، پیش شرط جرم سرقت مقرون به آزار، ارتکاب سرقت ساده است و بدون صدق عنوان سرقت، این جرم محقق نمی‌شود؛ ضمن اینکه صرف قصد سرقت نیز کفایت نخواهد کرد.

باین حال، نباید ناگفته گذاشت که در تبیین مفهوم دقیق هر جرمی، تحلیل نظری صرف به تنهایی کافی نیست و توجه به رویکرد مقنن در قبال آن جرم که اصولاً در قالب عنصر قانونی آن متبلور می‌گردد، حائز اهمیت فراوان است. از این رو، در ادامه،

ماده قانونی‌ای که عنصر قانونی این جرم را تشکیل می‌دهد، در هر دو نظام کیفری مورد بحث بررسی خواهد شد.

۳. پیشینه تقنینی و عنصر قانونی سرقت مقرون به آزار

با توجه به این موضوع که جستجو در سیر تاریخی قوانین جاری می‌تواند کاستی‌های آن‌ها را تا اندازه‌ای روشن سازد، در اینجا به بررسی این سابقه تقنینی می‌پردازیم. سپس، عنصر قانونی جرم مورد بحث را در دو نظام کیفری ایران و انگلستان یادآور می‌شویم.

۳.۱. پیشینه تقنینی سرقت مقرون به آزار

هرچند نظام کیفری کشور انگلستان مبتنی بر کامن لاء است، اما نقایص کامن لاء^{۱۱} (Keenan, 2007: 8-11) موجب شده است که امروزه در کنار رویه قضایی، قوانین مدون نیز به‌عنوان یکی از منابع این نظام کیفری شناخته شوند. بر این اساس، در این بند علاوه بر سابقه قوانین جاری ایران، پیشینه مقررات مدون کشور انگلستان نیز بررسی می‌شود:

در حقوق ایران، سرقت مقرون به آزار نخست به‌موجب ماده ۲۲۳ قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴ جرم انگاری شد. در این ماده، قانون‌گذار وقت علاوه بر واژه آزار، صراحتاً واژه «تهدید» را هم به کار برده بود. همچنین نوع مجازات جرم محدود به حبس شده بود (حبس با اعمال شاقه از سه الی پانزده سال)؛ اما در قانون مجازات عمومی ۱۳۵۲ که تنها باب اول (کلیات) قانون پیش‌گفته را اصلاح کرد و قانون تعزیرات ۱۳۶۲، ماده قانونی‌ای راجع به سرقت مقرون به آزار مشاهده نمی‌شد.

نهایتاً، ماده ۲۲۳ فوق‌الذکر با توجه به قوانینی که بعد از انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷ به تصویب رسید، نسخ گردید و در سال ۱۳۷۵، قانون‌گذار مفاد کلی این ماده را با تغییراتی در قالب ماده ۶۵۲ قانون تعزیرات مورد تصویب قرارداد.

اما در حقوق انگلستان، جرم انگاری سرقت مقرون به آزار در ماده^{۱۱} ۸ «قانون

سرقت سال ۱۹۶۸»^{۱۲} مورد نظر قانون‌گذار انگلیسی قرار گرفته است. این قانون که در ۱۹۹۶ اصلاحاتی را به خود دیده است^{۱۳}، در رابطه با جرم مزبور بدون تغییر باقی مانده است. به تعبیر دیگر، اصلاحات یادشده مربوط به دیگر بخش‌های قانون بوده و معطوف به جرم سرقت مقرون به آزار نبوده‌اند.

در هر حال، با امعان نظر به اینکه کامن لا، هنوز در نظام کیفری انگلستان حائز اهمیت خاص است، علاوه بر قانون یادشده، برخی از آراء دادگاه‌ها نیز در مورد جرم سرقت مقرون به آزار قابل توجه هستند. توضیح آنکه در رابطه با بعضی ابهامات قانونی، آراء مذکور مورد استناد قرار می‌گیرند، لذا در نظام کیفری این کشور، لازم است که قانون سرقت ۱۹۶۸ به همراه آراء مربوطه توأمان مورد توجه قرار گیرند؛ موضوعی که در این مقاله، به هنگام تحلیل اجزاء مختلف سرقت مقرون به آزار در نظام کیفری انگلستان، مدنظر قرار گرفته است.

۳.۲. عنصر قانونی^{۱۴} سرقت مقرون به آزار

نظر به اینکه از یک‌سو، تبیین دقیق ارکان هر جرمی به عنصر قانونی آن وابسته است و از سوی دیگر، اصل قانونی بودن^{۱۵} که ترجمانی از همین عنصر است، در ارائه مفهوم جرم نیز مدنظر قرار می‌گیرد، در اینجا، به عنصر قانونی سرقت مقرون به آزار در هر دو نظام کیفری مورد بحث اشاره می‌شود:

در نظام کیفری ایران، سرقت مقرون به آزار در ماده ۶۵۲ «ق.ت» مصوب ۱۳۷۵ مورد توجه قانون‌گذار قرار گرفته است؛ در این ماده چنین مقرر شده است:

«هرگاه سرقت مقرون به آزار باشد و یا سارق مسلح باشد به حبس از سه ماه تا ده سال و شلاق تا ۷۴ ضربه محکوم می‌شود و اگر جرحی نیز واقع شده باشد، علاوه بر مجازات جرح، به حداکثر مجازات مذکور در این ماده محکوم می‌گردد»؛

همان‌طور که از این حکم قانون‌گذار قابل برداشت است، این نوع سرقت در شمار سرقت‌های تعزیری است و از ذکر آن در کتاب پنجم قانون (تعزیرات) دانسته می‌شود که این ماده ناظر به سرقت غیر حدی است. همچنین لازم به ذکر است که علی‌رغم

تصویب مجازات اسلامی ۱۳۹۲، این ماده قانونی که در قانون تعزیرات دائمی آمده است، تغییری نکرده و صرفاً در مواردی از جمله در رابطه با تأسیساتی مانند آزادی مشروط، مجازات جرم با لحاظ تبصره‌های ۲ و ۳ ماده ۱۹ از این قانون (و پذیرش اینکه واژه «ماه» در متن ماده ۶۵۲، «سال» بوده است؛ ر.ک. بحث مجازات سرقت مقرون به آزار در همین مقاله)، از نوع تعزیر درجه چهار قلمداد می‌شود (نیز ر.ک. تبصره ۴ ماده ۱۹ «ق.م.آ» ۱۳۹۲).

در مقابل، در نظام کیفری انگلستان، علی‌رغم اینکه حقوقدانان انگلیسی، عنصر قانونی جرائم را به صورت مجزا بررسی نمی‌کنند و در بحث از اجزاء مختلف عناصر مادی و روانی هر جرمی، به بخشی از ماده قانونی مربوطه استناد می‌کنند؛ با این وجود، جهت تحلیل دقیق‌تر سرقت مقرون به آزار، ذکر ماده قانونی مربوط لازم دانسته شده است. قانون‌گذار انگلیسی در بند ۱ ماده ۸ قانون سرقت ۱۹۶۸^{۱۶} اعلام داشته است: «شخص به علت سرقت مقرون به آزار تقصیرکار است، در صورتی که دست به سرقت بزند و بلافاصله قبل یا در حین انجام آن و در راستای انجام آن، نسبت به هرکسی عنف و خشونت را به کار برد یا هرکسی را بدون فاصله زمانی، در واهمه ناشی از مورد خشونت قرار گرفتن، قرار دهد یا درصدد انجام آن برآید»^{۱۷}؛ میزان مجازات این جرم در بند ۲ ماده مذکور ذکر شده است که در بحث از مجازات جرم سرقت مقرون به آزار به آن پرداخته می‌شود.

۴. عنصر مادی^{۱۸} سرقت مقرون به آزار

اجزاء عنصر مادی یک جرم عبارت‌اند از: رفتار فیزیکی^{۱۹}، شرایط لازم برای تحقق جرم^{۲۰}، نتیجه مجرمانه^{۲۱} و رابطه علیت^{۲۲} بین جزء اول و سوم. جزء چهارم در جرائم مطلق^{۲۳} (در مقابل جرائم مقید^{۲۴}) ضروری نیست و صرف ارتکاب عامدانه رفتار فیزیکی، با وجود سایر شرایط، موجبات تحقق جرم را فراهم می‌آورد. بر این اساس، از آنجاکه سرقت مقرون به آزار نوعی سرقت مشدد محسوب می‌شود و به عنوان یکی از شرایط خاص خود، ارتکاب جرم سرقت ساده را لازم دارد، کلیه اوصاف سرقت ساده

از جمله مقید بودن آن را دارا است؛ بنابراین، در ذیل شرایط اختصاصی سرقت مقرون به آزار در دو نظام کیفری ایران و انگلستان مورد تحلیل قرار می‌گیرند.

۴.۱. ارتکاب عنصر مادی سرقت ساده

در حقوق ایران، این شرط با توجه به بخش نخست ماده ۶۵۲ «ق.ت» ۱۳۷۵ به روشنی قابل استنباط است. در حقوق انگلستان نیز با توجه به اینکه سرقت مقرون به آزار نوعی سرقت مشدد^{۲۵} است، در مرحله نخست، لازم است که مرتکب، عنصر مادی سرقت ساده را به انجام رساند و بعدازآن، با لحاظ سایر شرایط، محکومیت او به این نوع سرقت تضمین گردد. بر اساس این شرط، در صورتی که فردی با این اعتقاد که دارای حقی قانونی برای محروم کردن بزه دیده از مال یا اموال مربوطه است، اقدام کند، به جرم سرقت ساده (Childs, 2005: 83 & 84) و به تبع آن سرقت مقرون به آزار محکوم نخواهد شد. در همین راستا، پرونده «رابینسن به سال ۱۹۷۷»^{۲۶} قابل توجه است. در این پرونده، متهم از بزه دیده تقاضای بازپرداخت بدهی‌ای را می‌کند که بر ذمه همسر او قرار داشت. وی برای تحکیم بخشیدن به خواسته‌اش، چاقویی را همراه خود داشت. دادگاه در این مورد اعلام داشت که با توجه به اوضاع و احوال پرونده، سرقت مقرون به آزار محقق نشده است، چراکه متهم، به خاطر اینکه تصور می‌کرده، حق قانونی‌ای نسبت به وجه (وجه) مربوطه داشته، دارای سوءنیت^{۲۷} [که لازمه سرقت ساده است] قلمداد نمی‌شود^{۲۸} (Jefferson, 2009: 631; Geary, 2002: 86).

در واقع، باید به این مطلب توجه داشت که استفاده از واژه «سرقت کردن»^{۲۹} در بند ۱ ماده ۸ قانون سرقت ۱۹۶۸ و «هرگاه سرقت مقرون به آزار باشد...» در ماده ۶۵۲ «ق.ت» ۱۳۷۵، بر لزوم وجود تمامی عناصر جرم سرقت ساده تأکید دارند. به تعبیر دیگر، در رابطه با سرقت مقرون به آزار، می‌توان قاعده ساده‌ای را بدین شرح ارائه داد: «بدون تحقق سرقت ساده، سرقت مقرون به آزار سالبه به انتفاع موضوع است»^{۳۰}.

با توجه به قاعده یادشده، هنگامی سرقت مقرون به آزار کامل می‌گردد که جرم سرقت ساده کامل شده باشد. در هر حال، از آنجاکه در حقوق انگلستان، تصاحب^{۳۱}

(به‌عنوان جزئی از تعریف سرقت ساده؛ ر.ک. هیرینگ، ۱۳۹۲: ۱۰۶-۱۰۸)، از لحاظ مفهومی دارای تعریف نسبتاً گسترده‌ای است، سرقت مقرون به آزار، حتی درجایی که مرتکب همراه با مال نمی‌گریزد، می‌تواند محقق شود. در این رابطه پرونده «کورکوران علیه آندرتن به سال ۱۹۸۰»^{۳۲} مورد استناد قرار می‌گیرد. بدین شرح که متهم به عنف^{۳۳}، کیف‌دستی بزه دیده را کشیده و در نتیجه این عمل، کیف به زمین می‌افتد. همین اندازه از عمل مرتکب، جرم تام سرقت مقرون به آزار قلمداد شد؛ صرف‌نظر از اینکه وی، کیف‌دستی را از روی زمین برداشته یا برنداشته باشد. تلقی دادگاه در این پرونده این بود که کشیدن به عنف کیف‌دستی برای تحقق جرم کفایت می‌کند، حتی اگر بزه دیده قادر به تلاش برای مقاومت در مقابل سارق و ادامه تصاحب قانونی خود بر کیف‌دستی یا مال متعلق به خود باشد^{۳۴} (Heaton, 2006: 365; Molan, 2008: 584). علت این حکم را می‌توان این‌طور تبیین کرد که علی‌رغم اینکه مرتکب، کیف‌دستی را بر روی زمین رها کرده و گریخته، با این وجود، از آنجاکه نسبت به عمل او، تصاحب به معنای حق مالکیت قائل شدن برای خود^{۳۵} قابل اطلاق است، لذا سرقت مشدد محقق شده است (Herring, 2007: 273).

بنا بر مطالب گفته‌شده، اگر مرتکب در رابطه با جرم سرقت ساده دفاع قابل قبولی را ارائه کند، محکومیت او به سرقت مقرون به آزار نیز منتفی می‌شود و این امر در هر دو نظام کیفری مورد بحث صدق می‌کند. به‌طور مثال، اگر متهم، اتومبیل بزه دیده را با تهدید به اعمال خشونت و با این قصد که بعداً آن را رها کند (و این کار را عملاً هم انجام دهد)، از تصرف وی درآورد، سرقت مقرون به آزار محقق نشده است، چراکه سرقت به معنای قصد محروم کردن دائمی دیگری از مال متعلق به خود، صدق نمی‌کند^{۳۶} (Ashworth, 2009: 382).

۴.۲. آزار رسانی در حین سرقت یا مسلح بودن سارق

در رابطه با این شرط از شرایط اختصاصی سرقت مقرون به آزار در حقوق ایران باید گفت که طبق ماده ۶۵۲ «ق.ت» ۱۳۷۵، آزار رسانی سارق باید در زمان ارتکاب

سرقت صورت گیرد. لزوم این شرط از جمله «هرگاه سرقت مقرون به آزار باشد» در ماده مذکور قابل برداشت است؛ با این توضیح که تأملی در این جمله به‌ویژه واژه «مقرون» در آن روشن می‌سازد که برای تشدید مجازات سارق، ضروری است که آزار رسانی همزمان با ارتکاب سرقت انجام شود. به تعبیر دیگر، در صورتی که ارتکاب سرقت به پایان رسد، آزار رساندن از سوی سارق، موجب مشدد محسوب شدن سرقت سابق نخواهد بود. این مسئله به قدری حائز اهمیت است که در صورت عدم در نظر گرفتن شدن آن از سوی مرجع رسیدگی‌کننده، حکم صادره در دیوان عالی کشور نقض خواهد شد. در این راستا، در قسمتی از دادنامه شماره ۱۴۸ سال ۱۳۷۱ از شعبه ۲۰ دیوان عالی کشور مقرر شده است:

«... با توجه به اینکه سرقت پیش‌بینی شده در ماده ۲۲۳ [قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴] موقعی محقق می‌گردد که آزار و تهدید با سرقت تقارن داشته باشد و حسب محتویات پرونده برفرض که آزار و تهدید عملی شده باشد، وضعیت مرقوم واقع نگردیده ... بنابراین دادنامه ... نقض و رسیدگی مجدد به دادگاه کیفری ... ارجاع می‌شود».

در هر حال، جمله یادشده، معنای دیگری را نیز می‌رساند؛ با این شرح که لازم نیست آزار حتماً نسبت به صاحب‌مال اعمال گردد. به دیگر سخن، همین که مرتکب در حین ارتکاب سرقت، نسبت به شخص دیگری آزار رساند، سرقت مقرون به آزار محقق می‌شود، اعم از اینکه شخص مورد آزار، صاحب‌مال باشد یا سایر افرادی که در محدوده مکانی جرم سرقت حضور دارند. با این توضیح، به نظر می‌رسد که بتوان در این رابطه ضابطه‌ای را در نظر داشت که در صورت عدم تحقق آن، سرقت مقرون به آزار هم منتفی است. ضابطه مزبور این است که «آزار رسانی باید علیه افراد حاضر در محدوده مکانی جرم سرقت واقع شود»؛ در غیر این صورت، سرقت مشدد تلقی نمی‌شود. از جمله افرادی که ممکن است که در این محدوده مکانی حضور داشته باشند، اعضای خانواده صاحب‌مال هستند و یا افرادی که به‌عنوان میهمان به منزل صاحب‌مال دعوت شده‌اند.

البته این مطلب را هم باید افزود که ضروری است آزار رسانی علیه افراد یادشده،

بر روی صاحب مال تأثیرگذار باشد. به عبارت دیگر، از یک طرف، ضروری است که سرقت توأم با اعمال آزاردهنده باشد و این امر نسبت به غیر از صاحب مال نیز مؤثر در مقام است و از طرف دیگر، تأثیرگذاری آن بر روی صاحب مال شرط است. با توجه به این مطلب، ضابطه دقیق تری که می توان ارائه کرد این است که «آزار رسانی باید در محدوده مکانی و زمانی ارتکاب جرم سرقت انجام گیرد» تا بتوان گفت سرقت مقرون به آزار واقع شده است؛ بنابراین، همان طور که آزار رسانی با شروع به جرم سرقت، کفایت نکرده و لازم است که جرم تام سرقت واقع گردد، آزار رساندن به افرادی که در صحنه جرم حضور نداشته و آزار دیدن آن ها تأثیری بر روی صاحب مال ندارد، موجب مشدد محسوب شدن سرقت نخواهد شد. ارتباط ظریفی که بین محدوده زمانی و مکانی ارتکاب سرقت وجود دارد، دقت نظر در هر یک از این محدوده ها را ایجاب می کند.

حال سؤال قابل طرح این است که آیا متأثر شدن صاحب مال در عمل شرط تحقق جرم است، یا اینکه اگر سرقت نوعاً موجب آزار محسوب شود، کفایت می کند؟ به تعبیر دقیق تر، ضابطه این موضوع، یک ضابطه عینی است یا یک ضابطه شخصی^{۳۷}؟ به طور مثال، اگر عمل سارق از دیدگاه افراد متعارف جامعه آزاردهنده باشد، اما صاحب مال به خاطر روحیه بسیار قوی ای که دارد از آن متأثر نشود، سرقت مقرون به آزار تلقی نمی شود؟ در پاسخ به این سؤال، به نظر می رسد که ضابطه این موضوع، یک ضابطه عینی باشد؛ چراکه در غیر این صورت، در مواردی که عمل سارق نوعاً آزاردهنده نباشد، اما صاحب مالی به خاطر روحیه بسیار حساسی که دارد تحت تأثیر قرار گرفته و متالم گردد، باید سرقت را مقرون به آزار محسوب کرد و این رویکرد با اصل تفسیر مضیق نصوص جزائی و اصل تفسیر به نفع متهم سازگاری ندارد. بر این اساس، آنچه در سطور پیشین راجع به تأثیر آزار نسبت به صاحب مال گفته شد، تأثیرگذاری آن با توجه به قضاوت عرفی منظور بوده است؛ به دیگر سخن، لازم است که از دیدگاه افراد متعارف جامعه، عمل سارق آزاردهنده محسوب شده و به تبع آن، صاحب مال متالم گردد.

در حقوق انگلستان نیز با امعان نظر به بند ۱ ماده ۸ قانون سرقت ۱۹۶۸، در جرم

سرقت مقرون به آزار، لازم است که مرتکب بلافاصله قبل یا در حین ارتکاب سرقت، عنف و خشونت را به کار برده یا تهدید بدان کرده باشد. نیز همانند حقوق ایران، به‌کارگیری عنف یا تهدید به آن، لازم نیست که علیه مالک یا متصرف مال صورت گیرد (Baird, 2010: 206)، زیرا در عنصر قانونی جرم مورد بحث عبارت «نسبت به هر کسی»^{۳۸} به کار رفته است که معنای عامی داشته و صرفاً شامل افراد مالک یا متصرف نمی‌شود؛ ضمن اینکه اموال را هم در بر نمی‌گیرد؛ بنابراین اگر چند نفر با به‌کارگیری عنف و خشونت نسبت به متصدی علائم^{۳۹} در خطوط راه‌آهن، قطاری را متوقف کرده و از آن سرقت کنند، همه‌ی آن‌ها مرتکب سرقت مقرون به آزار شده‌اند (Card, 2006: 403)؛ هر چند که شخص مزبور مالک یا متصرف اموالی که بعداً از مسافری قطار سرقت می‌شود، نیست.

از آنچه راجع به زمان به‌کارگیری عنف یا تهدید به آن گفته شد، به روشنی قابل برداشت است که استفاده از هر یک از آن‌ها در زمانی بعد از ارتکاب سرقت^{۴۰}، تحقق سرقت مشدد را در پی ندارد؛ ضمن اینکه تهدید به اِعمال خشونت در آینده^{۴۱} تأثیری نداشته و عنوان اتهامی مناسب آن اخاذی^{۴۲} است نه سرقت مقرون به آزار (Ashworth, 2009: 383). بر این اساس، سارقی که بعد از ربودن اموال، جهت حفظ تصرف خود از عنف و خشونت استفاده می‌کند، به شرطی به سرقت مقرون به آزار محکوم می‌شود که احراز شود به‌کارگیری آن در زمان سرقت بوده است. این قلمرو زمانی، صرفاً محدود به زمانی که تصاحب توأم با عنصر روانی سرقت، به صورت ابتدائی محقق می‌شود، نمی‌گردد؛ زیرا عمل تصاحب ممکن است استمرار داشته باشد^{۴۳}. در این رابطه باید دانست که زمان ارتکاب سرقت تا وقتی که بنا به قضاوت عرف بتوان گفت سرقت در جریان است، ادامه دارد؛ یعنی تا زمانی که متهم مشغول انجام کار [مجرمانه] است^{۴۴} (Card, 2006: 403). این موضوع در پرونده‌های هیل به سال ۱۹۷۹ و لاکلی به سال ۱۹۹۵^{۴۵} نیز به نوعی منعکس شده است.

موضوعی که باید به آن اشاره کرد این است که در حقوق انگلستان، عنف و خشونت که در سرقت مورد بحث به عنوان یکی از شرایط آن مطرح می‌گردد، از لحاظ مفهومی دارای گستره‌ی وسیعی است. توضیح بیشتر آنکه به‌کارگیری عنف به مقدار

ناچیز و کم^{۴۶} یا تهدید به آن کفایت کرده و سرقت ساده را به سرقت مشدد تبدیل می‌کند؛ به عبارت دیگر، شدت خشونت یا تهدید به آن دارای اهمیت نبوده و در هر صورت، باعث تحقق سرقت مقرون به آزار خواهد شد (Clarkson, 2005: 241). یک مثال برای این نوع عنف، جایی است که مرتکب بزه دیده را هل می‌دهد^{۴۷}؛ همین مقدار عمل، همانند به کارگیری خشونت شدید^{۴۸} یا تهدید به آن، می‌تواند سرقت مقرون به آزار را محقق کند (Card, 2006: 404). با این وجود، ناگفته نماند که به دلیل عدم تبیین مفهوم عنف در قانون سرقت ۱۹۶۸، در پرونده «حکومت علیه دوسن و جیمز به سال ۱۹۸۷»^{۴۹} چنین مقرر شد که عنف واژه انگلیسی متداولی است^{۵۰} و احراز آن بر عهده هیئت منصفه^{۵۱} است^{۵۲} (Elliott & Quinn, 2010: 209; Huxley- Binns, 2009: 156).

بند ۱ ماده ۸ قانون سرقت ۱۹۶۸، در صدد قرار دادن دیگری در حالت واهمه ناشی از اعمال خشونت بر آمدن را نیز در برمی‌گیرد. مثالی برای این مورد، تهدید کردن یک شخص فاقد قوه شنوایی^{۵۳} ذکر شده است (Jefferson, 2009: 633). البته در این رابطه، شرط نیست که بزه دیده در عمل، دچار این نوع حالت ترس شود؛ بلکه صرف اینکه مرتکب تلاش کند که چنین حالتی در بزه دیده ایجاد گردد، برای تحقق جرم کافی است (Heaton, 2006: 356).

مسئله دیگر قابل بحث، معنای واژه آزار است. آیا تمامی انواع آزار را در برمی‌گیرد؟ در پاسخ باید گفت که واژه آزار که به معنای رفتار یا امر ناخوشایندی است که موجب رنج، ناراحتی، مزاحمت یا آسیب کسی می‌شود (انوری، ۱۳۸۸: ۳۱)، در ماده ۶۵۲ «ق.ت» ۱۳۷۵، به صورت عام به کار رفته و لذا انواع مختلف آزار جسمی یا روحی را شامل می‌شود. این امر در حقوق انگلستان نیز صدق می‌کند، چراکه قانون‌گذار انگلیسی در بند ۱ ماده ۸ از قانون سرقت ۱۹۶۸، در کنار ذکر کردن به کارگیری عنف و خشونت، به تهدید بدان نیز اشاره کرده است. در جهت تبیین هر چه بیشتر آزارهای جسمی و روحی می‌توان به ذکر مثالی برای هر کدام مبادرت کرد. نوعی از آزار جسمی، هنگامی محقق می‌شود که مرتکب دهان بزه دیده را می‌بندد تا از فریاد کشیدن احتمالی او جلوگیری کند. در مقابل، زمانی که سارق، بزه دیده را تهدید می‌کند، صرف نظر از

خطر موضوع تهدید که حسب مورد می‌تواند جان، مال، عرض یا ناموس بزه دیده (در حقوق ایران) یا اعمال خشونت نسبت به هر کسی (در حقوق انگلستان) را شامل شود، آزار روحی مصداق می‌یابد. البته، باید متذکر این مطلب شد که آزارهای جسمانی، اغلب موجب تأثیر منفی بر روح و روان فرد نیز می‌شود، اما این امر منجر به آن نمی‌شود که آن‌ها را در شمار آزارهای روحی و روانی محسوب کرد؛ زیرا آنچه مستقیماً و به صورت اولیه مورد آزار قرار می‌گیرد، جسم بزه دیده است و تأثیرگذاری بر روی وضعیت روحی و روانی او به صورت تبعی مطرح است.

یکی دیگر از مواردی که در حقوق ایران، مورد بحث قرار گرفته است، به عبارت «یا سارق مسلح باشد» در ماده ۶۵۲ «ق.ت» ۱۳۷۵ بر می‌گردد. در این رابطه، با در نظر گرفتن آنچه پیش‌تر درباره ضابطه سرقت مقرون به آزار گفته شد، می‌توان نتیجه گرفت که داشتن سلاح از سوی سارق (یکی از آن‌ها در صورت متعدد بودن سارقین) موجب تشدید مجازات است. به تعبیر بهتر، هنگامی که ضابطه این نوع سرقت را یک ضابطه عینی در نظر بگیریم، با امعان نظر به قضاوت افراد متعارف جامعه، صرف همراه داشتن آشکار سلاح از سوی مرتکب، نوعی آزار را برای بزه دیده موجب می‌شود و در واقع، عبارت یادشده از باب تخصیص به ذکر، به جهت اهمیت داشتن حمل سلاح در زمان سرقت نزد قانون‌گذار بوده است. بر این اساس، این نظر که ماده ۶۵۲ «ق.ت» ۱۳۷۵ دو نوع سرقت را مطرح کرده است؛ یکی سرقت مقرون به آزار و دیگری سرقت توسط سارق مسلح (حبیب زاده، ۱۳۸۹: ۱۶۳؛ حبیب زاده، ۱۳۸۸: ۷۷)، می‌تواند قابل انتقاد باشد. علت این رویکرد انتقادی آن است که موضع قانون‌گذار دلالت بر آن دارد که صرف مسلح بودن سارق، نوعی تهدید بزه دیده تلقی شده و می‌تواند مصداق آزار تلقی گردد. در واقع، می‌توان گفت که همراه داشتن سلاح از سوی سارق مصداق بارز آزار تلقی می‌شود و قانون‌گذار به علت اهمیت موضوع، این مصداق را مورد تأکید قرار داده است. از این رو، برخی نویسندگان قائل به آن شده‌اند که در مورد جرم مورد بحث، سلاح قلابی هم می‌تواند وسیله آزار جسمی یا روحی قرار گیرد (میر محمدصادقی، ۱۳۸۱: ۲۹۸). با توجه به این توضیحات، زمانی که مرتکب دارای سلاح باشد، اعم از واقعی یا غیرواقعی، با توجه به اینکه این امر نوعاً موجب آزار و وحشت قلمداد می‌شود، سرقت

مقرون به آزار تلقی می‌شود. نکته‌ای که در این خصوص باید به آن توجه داشت این است که اگر بزه دیده نسبت به غیرواقعی بودن سلاح آگاهی داشته باشد، با توجه به ضابطه پیش‌گفته، عمل مرتکب آزاردهنده تلقی نشده و لذا سرقت مشدد هم محقق نمی‌شود.

در مورد اینکه آیا مسلح بودن سارق در حقوق انگلستان نیز می‌تواند سرقت مقرون به آزار را محقق سازد یا نه، باید گفت که بی‌تردید در بسیاری از موارد، توسل به عنف یا خشونت و به‌ویژه تهدید به آن، از طریق استفاده از سلاح صورت می‌گیرد؛ بنابراین، می‌توان پذیرفت که این امر در حقوق انگلستان نیز ممکن است با لحاظ دیگر شرایط، موجبات سرقت مقرون به آزار را فراهم کند. ضمن اینکه، به‌کارگیری سلاح، به‌طورقطع بزه دیده را در حالت واهمه ناشی از مورد خشونت قرار گرفتن، قرار می‌دهد و این حالت به‌تصریح بند ۱ ماده ۸ قانون سرقت ۱۹۶۸، برای تحقق جرم موردبحث کفایت می‌کند.

درنهایت، یادآوری این مطلب هم خالی از فایده نیست که کلیه احکام راجع به خصوصیت عمل مرتکب واحد، در مورد مرتکبین متعدد صادق است. به تعبیر دیگر، در این رابطه تعدد مرتکبین حائز اهمیت نیست و با توجه به اینکه سرقت واحد محسوب می‌شود، حتی اگر عمل یکی از آن‌ها آزاردهنده باشد، تمامی مرتکبین به مجازات سرقت مشدد محکوم خواهند شد.

۵. عنصر روانی^{۵۴} سرقت مقرون به آزار

اجزاء عنصر روانی جرائم عبارت‌اند از: سوءنیت عام^{۵۵} به معنای عمد در ارتکاب رفتار فیزیکی جرم و سوءنیت خاص^{۵۶} یعنی قصد نتیجه. جزء اخیر در همه جرائم ضروری نیست و در برخی جرائم، به‌صرف اینکه مرتکب دارای سوءنیت عام باشد، جرم محقق می‌شود. بر این اساس، در ذیل عنصر روانی سرقت مقرون به آزار در دو نظام کیفری ایران و انگلستان تحلیل می‌گردد:

در ایران، در جرم سرقت مقرون به آزار علاوه بر عنصر روانی جرم سرقت ساده

(که در شمار جرائم دارای سوءنیت خاص محسوب می‌شود)، لازم است که مرتکب در انجام عمل آزاردهنده عامد باشد و آن را از روی اراده انجام دهد. به دیگر سخن، آزار رسانی در حالاتی که اراده از شخص سلب شده باشد، باوجود سایر شرایط سرقت مشدد را منتفی ساخته و مرتکب صرفاً به اتهام سرقت ساده تحت تعقیب قرار خواهد گرفت. همچنین باید متذکر این مطلب شد که با توجه به اینکه وصف آزاردهندگی عمل با توجه به یک ضابطه عینی تشخیص داده می‌شود، در صورتی که عمل مرتکب نوعاً آزاردهنده باشد، فرض بر آن است که وی به کیفیت عمل خود آگاهی دارد.

همچنین، به نظر می‌رسد که به کارگیری عمل آزاردهنده بایستی برای ارتکاب سرقت باشد؛ بدین معنا که مرتکب با انجام آن قصد داشته باشد که ربایش مال متعلق به غیر (تعریف سرقت ساده در ایران) را تسهیل کرده و به عبارتی راه را برای رسیدن به مقصود خود هموار سازد. در همین راستا در قسمتی از نظریه اداره حقوقی قوه قضائیه^{۵۷} اعلام شده است:

«سرقت مقرون به آزار در صورتی تحقق پیدا می‌کند که آزار به قصد ارتکاب سرقت یا تسهیل وقوع آن و مقارن سرقت واقع شود...»؛

هرچند که این نظریه مربوط به زمانی است که قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴ در کشور حاکم بود، باین وجود، از آنجاکه مفاد عنصر قانونی جرم مورد بحث در قانون اخیر، با قانون تعزیرات ۱۳۷۵ مشابه است، رهنمون اداره حقوقی قابل استفاده به نظر می‌رسد. البته باید اذعان داشت که نظر مخالف را نیز نمی‌توان با قاطعیت مردود اعلام کرد؛ زیرا در ماده ۶۵۲ «ق.ت» ۱۳۷۵، به قید «به قصد ارتکاب سرقت» اشاره‌ای نشده است. توضیح بیشتر آنکه با توجه به عینی بودن ضابطه سرقت مورد بحث و با نظر به عبارت «مقرون به آزار» در ماده اخیرالذکر، ممکن است استدلال شود که همین اندازه که عمل آزاردهنده مرتکب توأم با ارتکاب سرقت باشد، در راستای وقوع آن تلقی می‌شود و در این رابطه، قصد مرتکب حائز اهمیت نیست.

در انگلستان هم برای محکومیت کسی به اتهام سرقت مقرون به آزار، افزون بر عنصر روانی جرم سرقت ساده، لازم است که به کارگیری عنف یا تهدید به آن از سوی متهم، به نحو عمدی صورت گرفته و مرتکب به این امر واقف باشد. علاوه بر این، با

توجه به تصریح بند ۱ ماده ۸ قانون سرقت ۱۹۶۸، ضروری است که اعمال عنف یا تهدید به آن برای ارتکاب سرقت انجام شده باشد، به نحوی که بتوان رابطه علیت را میان جرم سرقت ساده و یکی از آنها احراز کرد (Cross, 2010: 164). با این وصف، فردی که در حین ارتکاب سرقت، به طور اتفاقی^{۵۸} از عنف و خشونت استفاده می‌کند، به سرقت مقرون به آزار محکوم نخواهد شد.

احراز این موضوع که به کارگیری عنف یا تهدید به آن، در راستای ارتکاب سرقت بوده است یا نه، از توجه به این واقعیت قابل برداشت است که اعمال هر یک از آنها، به ارتکاب جرم سرقت یاری رسانده باشد^{۵۹} (Herring, 2007: 273)؛ بنابراین اگر مردی، زنی را بر زمین زند تا مورد تجاوز قرار دهد و برای عملی کردن این قصد خود به او نزدیک شود؛ اما در همین حین، قصد خود را تغییر داده و کیف دستی‌ای را که زن بر زمین انداخته، تصاحب کند، به اتهام سرقت مقرون به آزار تحت تعقیب قرار نخواهد گرفت. در این فرض مرتکب ممکن است به سرقت ساده یا شروع به تجاوز جنسی^{۶۰} محکوم گردد (Card, 2006: 404).

۶. مجازات سرقت مقرون به آزار

بعد از اینکه اتهام سرقت مقرون به آزار به اثبات رسید، مرجع قضائی میزان مجازات در نظر گرفته شده از سوی قانون‌گذار را برای مرتکب لحاظ کرده و در حکم خود قید می‌کند. بر این اساس، لازم است نوع و میزان مجازات این جرم، در دو نظام کیفری ایران و انگلستان بررسی شود؛ که این موضوع در زیر مورد توجه قرار داده شده است:

در ایران، با توجه به ماده ۶۵۲ «ق.ت» ۱۳۷۵، مجازات سرقت مقرون به آزار، حبس از سه ماه تا ده سال و شلاق تا ۷۴ ضربه است. البته در مواردی که جرحی هم واقع شده باشد، علاوه بر مجازات جرح، حداکثر مجازات (ده سال حبس و ۷۴ ضربه شلاق) اعمال می‌گردد. در رابطه با میزان مجازات حبس در ماده مزبور، گفته شده است که واژه «ماه» در آن به طور قطع اشتباه بوده و منظور قانون‌گذار «سال» بوده است (زراعت، ۱۳۸۲: ۴۷). با این وجود، به نظر می‌رسد که با فرض صحیح بودن این تفسیر،

ازلحاظ اجرا با مانع اصل قانونی بودن مجازات روبرو است؛ بنابراین تا زمان اصلاح قانون، راه حل مناسب‌تر آن است که مرجع قضائی با اختیار خود در محدوده حداقل و حداکثر مجازات مقرر، اشتباه احتمالی را در نظر داشته و با توجه به نوع سرقت که از سرقت‌های مشدد قلمداد می‌شود، مجازات متناسبی را مورد حکم قرار دهد.

در مواردی که جرحی از سوی مرتکب وارد می‌آید، با توجه به اطلاق واژه «جرح» در ماده قانونی، شدید یا خفیف بودن آن از اهمیت برخوردار نبوده و در حال، افزون بر مجازات جرح، حداکثر مجازات نسبت به مرتکب اعمال می‌گردد؛ اما سؤال قابل طرح این است که آیا قسمت اخیر ماده ۶۵۲ مواردی چون ایراد ضرب یا قتل را نیز در بر می‌گیرد یا واژه «جرح» در اینجا خصوصیت دارد؟ در پاسخ به این سؤال، ظاهراً باید قائل به تفکیک شد؛ بدین توضیح که «ایراد ضرب» می‌تواند نوعی آزار تلقی گردد و لذا از شمول این قسمت ماده خارج است؛ اما در رابطه با قتل، اختلاف آراء مشاهده می‌شود، به نحوی که دیوان عالی کشور در آراء خود رویکرد یکسانی را مدنظر قرار نداده است. شعبه دوم دیوان عالی کشور در رأی شماره ۲۶۵۹ به تاریخ ۱۳۱۷/۱۱/۲۹ اظهار داشته است که قتل حداکثر آزار محسوب می‌شود و اگر سارق در حین سرقت کسی را بکشد، مرتکب دو بزه جداگانه قتل و سرقت مقرون به آزار شده است؛ اما همین شعبه در رأی دیگری به شماره ۱۵۸۹/۳ به تاریخ ۱۳۲۸/۵/۱۶ اعلام داشته است که اگر سارق در حین سرقت، صاحب‌خانه یا مدافع مال را بکشد، به این عمل قتل و سرقت مقرون به آزار اطلاق نمی‌شود، چراکه قتل یک جرم بیش نیست و وقتی مجازات این عمل فی‌نفسه تعیین شد، دیگر سرقت مقرون به آزار تلقی نمی‌شود، بلکه سرقت ساده محسوب شده و چنین شخصی، مجازات قتل و سرقت غیر مقرون به آزار را خواهد داشت. عقیده مشابه با رأی اخیر، در رأی شماره ۱۷۰۸ به تاریخ ۱۳۳۰/۵/۲۵ از همین شعبه دیوان عالی مورد تأکید قرار گرفته است. در این مورد، باید گفت که هرچند جرم قتل، جرم مجزایی به شمار می‌آید، اما به نظر می‌رسد که ارتکاب این جرم موجب تبدیل سرقت مشدد به سرقت ساده نگردد، لذا باید قائل به امکان ارتکاب سرقت مقرون به آزار به وسیله قتل شد؛ بنابراین، اگر سارق در حین سرقت به طریقی مانند ایراد جرح، منجر به مرگ مالباخته یا دیگری گردد، طبق قسمت اخیر ماده ۶۵۲،

علاوه بر مجازات قتل ارتكابی، به حداکثر مجازات مزبور در این ماده قانونی محکوم می‌گردد. در این راستا، مقررات ماده ۱۳۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ (در باب تعدد جرم) نیز درخور توجه است. شعبه دوم دیوان عالی کشور نیز در دادنامه شماره ۲/۷۹۳ به تاریخ ۱۳۷۱/۱۲/۱۷ بر امکان ارتكاب توأمان جرم قتل عمدی و سرقت مقرون به آزار صحه گذاشته است، بدون اینکه جرم قتل عمدی موجب سلب وصف مشدد از سرقت ارتكابی شود (ر.ک. بازگیر، ۱۳۸۶: ۹۲ تا ۹۴).

در مقابل، در انگلستان، بر اساس بند ۲ از ماده ۸ قانون سرقت ۱۹۶۸^{۶۱}، مجازات شخصی که به اتهام ارتكاب سرقت مقرون به آزار محکوم می‌شود، حبس ابد^{۶۲} است. این میزان مجازات در مقایسه با جرم سرقت ساده افزایش قابل توجهی داشته است؛ به نحوی که بر اساس ماده ۷ قانون سرقت ۱۹۶۸^{۶۳} که به موجب بند ۱ ماده ۲۶ قانون عدالت کیفری ۱۹۹۱^{۶۴} اصلاح شده است، مجازات جرم سرقت ساده حداکثر ۷ سال حبس است.

همچنین، باید این مطلب را اضافه کرد که بند ۲ ماده ۸ قانون سرقت ۱۹۶۸، مجازات حبس ابد را برای عنوان مجرمانه دیگری نیز در نظر گرفته است؛ این عنوان عبارت است از: «تهاجم با قصد سرقت مقرون به آزار انجام دادن»^{۶۵}. در مورد این جرم، شرایط سرقت مقرون به آزار محقق نشده است، اما شامل تهاجمی می‌شود که به قصد ارتكاب سرقت مقرون به آزار صورت گیرد. به هر حال، این رویکرد قانون‌گذار انگلیسی قابل انتقاد است، چراکه به درستی معلوم نیست بر چه اساسی میزان مجازات عمل اخیرالذکر را به اندازه مجازات جرم تام سرقت مقرون به آزار در نظر گرفته است؟

۷. وجوه افتراق و اشتراک دو نظام کیفری

اهم وجوه افتراق و اشتراک دو نظام کیفری ایران و انگلستان در رابطه با جرم سرقت مقرون به آزار را می‌توان به شرح جدول زیر ارائه کرد:

وجوه اشتراک
دو نظام حقوقی

وجوه افتراق
دو نظام حقوقی

<p>۱. یکی از شرایط لازم برای جرم سرقت مقرون به آزار، ارتکاب جرم تام سرقت ساده است. این شرط که در هر دو نظام کیفری ضروری تلقی شده است، موجب می‌شود که اگر در این رابطه دفاع قابل قبولی ارائه گردد، تحقق سرقت مشدد امکان‌پذیر نباشد.</p> <p>۲. با توجه به واژه عام «آزار» در حقوق ایران و «عنف و خشونت» در حقوق انگلستان، شدید بودن این موارد شرط تحقق جرم تلقی نمی‌شود؛ به عبارت دیگر، آزار یا خشونت اندک هم ممکن است سرقت مشدد را محقق سازد. البته ضابطه عینی در این خصوص باید در نظر گرفته شود.</p> <p>۳. مصادیق مشترکی که در هر دو نظام کیفری، سرقت ساده را به سرقت مشدد تبدیل می‌کند، اعمال آزاردهنده یا تهدید است. همچنین این آزار رسانی در حقوق انگلستان و ایران، در محدوده زمانی و مکانی جرم سرقت ساده مدنظر قرار می‌گیرد.</p>	<p>۱. در نظام کیفری ایران، سرقت مقرون به آزار صرفاً در محدوده زمانی و مکانی ارتکاب سرقت ساده متصور است؛ اما در نظام کیفری انگلستان، این جرم محدوده وسیع‌تری را دارا است. دلیل این موضوع آن است که مهمترین رکن سرقت در حقوق ایران «ربایش» تلقی شده است؛ اما در حقوق انگلستان، همانا «تصاحب» است و عمل تصاحب قلمرو گسترده‌تری دارد.</p> <p>۲. قانون‌گذار انگلیسی صراحتاً قید «برای ارتکاب سرقت» را در عنصر قانونی جرم ذکر کرده است. این در حالی است که در حقوق ایران، قید مزبور در عنصر قانونی جرم به چشم نمی‌خورد؛ هرچند که بتوان با تفسیری لزوم آن را استنباط کرد.</p> <p>۳. شرایط اختصاصی سرقت مقرون به آزار در نظام کیفری ایران از تفصیل چندانی برخوردار نیست و قانون‌گذار به ذکر جمله «سرقت مقرون به آزار باشد و یا سارق مسلح باشد» اکتفا کرده است؛ اما در نظام کیفری انگلستان، شرایط یادشده</p>
--	---

<p>۴. در نظام‌های مورد بحث، مجازاتی که مورد توجه قانون‌گذاران قرار گرفته است، حبس است. به تعبیر دقیق‌تر، از منظر قانون‌گذار ایرانی و انگلیسی، یکی از راهکارهای مقابله با جرم سرقت مقرون به آزار خلاصه می‌شود در اعمال مجازات حبس نسبت به مرتکبین این جرم.</p>	<p>قلمرو گسترده‌تری را شامل می‌شود؛ چراکه علاوه بر تصریح به اعمال عنف یا خشونت (اعمال آزاردهنده)، از تهدید به آن یا سعی در انجام آن سخن به میان آمده است.</p> <p>۴. نوع مجازاتی که در حقوق ایران برای سرقت‌های مقرون به آزار در نظر گرفته شده‌اند، عبارت‌اند از: حبس و شلاق؛ این در حالی است که در حقوق انگلستان، صرفاً مجازات حبس لحاظ شده است. ضمن اینکه میزان مجازات حبس در این نظام کیفری به مراتب بیشتر از نظام کیفری ایران است.</p>
---	---

۸. نتیجه و راه‌کار

تحلیل شرایط اختصاصی جرم سرقت مقرون به آزار در نظام‌های کیفری ایران و انگلستان روشن کرد که رویکرد قانون‌گذار ایرانی در مقایسه با قانون‌گذار انگلیسی دارای نواقص بیشتری است، به طوری که ضرورت برخی از اصلاحات را ایجاب می‌کند. در این راستا، راهکارهایی به شرح زیر پیشنهاد می‌شود:

- **گسترش قلمرو شمول جرم:** همچون حقوق انگلستان، مناسب است که قانون‌گذار ایرانی، قیودی را به عنصر قانونی جرم سرقت مقرون به آزار اضافه کند تا قلمرو این جرم گسترش یابد. به عنوان نمونه، به رغم اینکه تهدید را می‌توان نوعی آزار تلقی کرد و با توجه به ماده ۶۵۲ «ق.ت» ۱۳۷۵ سرقت مشدد را محقق شده دانست، اما به منظور پایان دادن به هرگونه اختلاف نظری، آوردن این واژه در عنصر قانونی جرم راهگشا است. این امر

از هر نوع توجیهی با هدف خارج کردن عمل تهدید از شمول واژه آزار جلوگیری کرده و راه را برای رهایی بدون مبنای مرتکب از مجازات مشدد مسدود می‌سازد. نمونه دیگر اینکه به نظر می‌آید اگر در حقوق ایران، به مانند حقوق انگلستان، «درصدد آزار رسانی برآمدن» هم در قلمرو شمول جرم مورد بحث قرار گیرد، موجبات حمایت هر بیشتر از بزه دیدگان این جرم فراهم شود.

- **حذف جمله «و یا سارق مسلح باشد»:** با توجه به اهمیت جرم سرقت مقرون به آزار از یک طرف و وجود ابهام در مورد جرم مستقل محسوب شدن این قسمت از ماده قانونی مربوطه از طرف دیگر، ضروری است که قانون‌گذار با حذف آن، باب هرگونه تفسیری را بسته و در صورت لزوم، ماده قانونی مجزایی را برای آن در نظر گیرد. ضمن اینکه همراه داشتن سلاح از سوی سارق یا سارقین، با وجود سایر شرایط، ممکن است مشمول دیگر مواد قانونی از جمله ماده ۶۵۴ «ق.ت» ۱۳۷۵ گردد؛ بنابراین، سرقت مقرون به آزار نیازمند ماده قانونی مستقلی است که در آن صرفاً به عناصر و شرایط اختصاصی این جرم تصریح شود و دیگر عناوین مجرمانه تحت شمول آن قرار نگیرند. البته، ناگفته نماند که همراه داشتن سلاح خود می‌تواند مصداق آزار رسانی باشد، از این رو، پیشنهاد حذف عبارت فوق‌الذکر به معنای نفی این موضوع نیست و تنها جهت رفع ابهام از ماده قانونی مطرح شده است.
- **افزودن قید «برای ارتکاب سرقت»:** از آنجاکه تشدید مجازات سارق منوط به انجام اعمال آزاردهنده در راستای ارتکاب سرقت است و با وجود اینکه لزوم این شرط را می‌توان طبق اصول کلی استنباط کرد، با الهام از رویکرد قانون‌گذار انگلیسی، لازم است این قید در عنصر قانونی جرم آورده شود. این امر موجب می‌شود که محکومیت سارق به این نوع سرقت مشدد بدون دلایل قابل قبولی مبنی بر آزار رسانی برای ارتکاب سرقت، امکان‌پذیر نباشد. کانون توجه این راهکار مرتکب جرم است تا بدین وسیله از تشدید مجازات

بی‌پایه و اساس وی ممانعت به عمل آید.

- **تصریح به امکان ارتکاب توأمان سرقت مقرون به آزار و قتل:** اگرچه، همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، امکان ارتکاب توأمان قتل و سرقت مقرون به آزار وجود دارد و جرم قتل، وصف مجرمانه عمل ارتكابی را از مشدد به ساده تبدیل نخواهد کرد، بااین‌حال، جهت رفع هرگونه شبهه در این خصوص و جلوگیری از اختلاف آراء، لازم است که قانون‌گذار در متن ماده ۶۵۲ «ق.ت» ۱۳۷۵ یا در قالب تبصره‌ای الحاقی به آن، به این موضوع تصریح کند.

پی‌نوشت‌ها

۱. از جمله قوانینی که در سال‌های اخیر در نظام حقوقی انگلستان به تصویب مجلس رسیده است، می‌توان به «قانون کلاهبرداری سال ۲۰۰۶» (Fraud Act 2006) و «قانون جرائم شدید سال ۲۰۰۷» (Serious Crimes Act 2007) اشاره کرد که هر یک به‌نوبه خود منجر به تحولات قابل‌توجهی در رابطه با جرائم مربوط شده است.
2. S 1 (1) of the Theft Act 1968.
3. A person is guilty of theft if he dishonestly appropriates property belonging to another with the intention of permanently depriving the other of it ...
4. Assuming the rights of an owner.
5. Robbery.
6. Compound larceny; larceny combined with circumstances of aggravation.
7. Simple larceny.
8. Burglary.
9. Common Law (See, Elliott & Quinn, 2009: 12).
10. Defects of the common law.
۱۱. لازم به ذکر است که در مقررات مدون نظام حقوقی انگلستان، از حرف S مخفف واژه Section به معنای بخش استفاده می‌شود. بااین‌وجود، با مسامحه می‌توان اصطلاح «ماده» را به کار برد.
12. S 8 of the Theft Act 1968.
13. Theft (Amendment) Act 1996; Available at: <http://www.legislation.gov.uk/ukpga/1996/62/contents>.
14. Legal Element.
15. Principle of Legality.
16. S 8 (1) of the Theft Act 1968.
17. "A person is guilty of robbery if he steals, and immediately before or at the time of doing so, and in order to do so, he uses force on any person or puts or seeks to put any person in fear of being then and there subjected to force".
18. Actus reus; also termed physical element.
19. Physical conduct.
20. Surrounding circumstances.
21. Result.

22. Causation or causal link.

23. Action crimes.

24. Result crimes.

25. An aggravated form of theft.

26. Robinson [1977].

27. Dishonest.

^{۲۸} با در نظر گرفتن تعریف سرقت ساده در حقوق انگلستان که در مقدمه مورد اشاره قرار گرفت، تصاحب توأم با سوءنیت مال غیر در این جرم ضروری است؛ لذا برای تحقق این جرم، مرتکب باید دارای سوءنیت باشد (See, S 1 (1) of the Theft Act 1968).

29. Steals.

30. The Simple rule is: no theft, no robbery.

31. Appropriation.

32. Corcoran v Anderton [1980].

33. Forcibly.

34. Even if V had been able to hang on to it.

35. Assumption of the rights of an owner; See, S 3(1) of the Theft Act 1968.

36. See, S 1 (1) of the Theft Act 1968.

37. Objective test or subjective test.

38. On any person.

39. Signalman.

40. After the time of the theft.

41. A threat of future force.

42. Blackmail.

43. An act of appropriation may be a continuing one.

44. i.e. so long as the defendant is on the job.

45. Hale [1979] 68 Cr App Rep 415 and Lockley [1995] 2 Cr App Rep 554.

46. Slight force.

47. Push.

48. Extreme Violence.

49. R v Dawson and James [1987].

50. An ordinary English word.

51. Jury.

۵۲. در فرهنگ آکسفورد ذیل واژه «Force» آمده است: «عمل خشونت‌آمیز؛ عمل فیزیکی خشونت‌آمیزی که برای به دست آوردن چیزی یا به انجام رسانیدن امری به کار گرفته شود» (Hornby et al, 2010: 605).

53. A deaf person.

54. Mens rea; sometimes called mental element.

55. General intent.

56. Specific Intent.

۵۷. شماره ۱۴۴ هفته دادگستری؛ به تاریخ ۱۳۵۳/۱۲/۳ (ر.ک. ایرانی ارباطی، ۱۳۸۶: ج ۳۱/۱).

58. Accidentally.

59. The Use of force assisted the theft.

60. Attempted rape.

61. S 8 (2) of the Theft Act 1968.

62. Life Imprisonment.

- ⁶³. S 7 of the Theft Act 1968.
⁶⁴. S 26 (1) of the Criminal Justice Act 1991.
⁶⁵. An Assault with intent to rob.

منابع

الف. فارسی

- آقائی، بهمن، (۱۳۸۲)، فرهنگ حقوقی بهمن، تهران: انتشارات کتابخانه گنج دانش.
- انوری، حسن و دیگران، (۱۳۸۸)، فرهنگ فشرده سخن، جلد اول، تهران: انتشارات سخن.
- ایرانی ارتباطی، بابک [گردآورنده]، (۱۳۸۶)، مجموعه نظرهای مشورتی جزائی، جلد اول، تهران: انتشارات مجد.
- بازگیر، یدالله [تدوین کننده]، (۱۳۸۶)، سرقت، جعل و خیانت در امانت در آرای دیوان عالی کشور، تهران: انتشارات بازگیر.
- بازگیر، یدالله [تدوین کننده]، (۱۳۸۹)، علل نقض آرای کیفری در شعب دیوان عالی کشور، تهران: انتشارات جاودانه و بازگیر.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، (۱۳۸۸)، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، جلد سوم، چاپ چهارم، تهران: انتشارات کتابخانه گنج دانش.
- حبیب زاده، محمدجعفر، (۱۳۸۹)، سرقت در حقوق کیفری ایران، تهران: نشر دادگستر.
- حبیب زاده، محمدجعفر، (۱۳۸۸)، حقوق جزای اختصاصی (جرائم علیه اموال)، تهران: انتشارات سمت.
- رشدیه، هرمز، (۱۳۹۰)، فرهنگ تشریحی - کاربردی حقوق، جلد اول، تهران: انتشارات نوربخش.
- زراعت، عباس، (۱۳۸۲)، شرح قانون مجازات اسلامی (بخش تعزیرات ۳)، تهران: انتشارات ققنوس.

میرمحمدصادقی، حسین، (۱۳۸۱)، **جرائم علیه اموال و مالکیت**، تهران: نشر میزان.
 هرینگ، جاناتان، (۱۳۹۲)، **مبانی حقوق کیفری انگلستان**، ترجمه امیر اعتمادی، تهران:
 انتشارات جنگل.

ب. لاتین

- Adler, Freda et al, (2008), **Criminology**, The First Canadian Edition, New York: McGraw-Hill.
- Ashworth, Andrew, (2009), **Principles of Criminal Law**, Sixth Edition, London: Oxford University Press.
- Baird, Norman, (2010), **Criminal Law (2009- 2010; Questions & Answers Series)**, Seventh Edition, London: Routledge-Cavendish.
- Bruinsma, Gerben & Weisburd, David, (2014), **Encyclopedia of Criminology and Criminal Justice**, New York: Springer Reference.
- Card, Richard, (2006), **Criminal Law**, Seventeenth Edition, New York: Oxford University Press.
- Childs, Penny, (2005), **Criminal Law (Nutcases)**, Fourth Edition, London: Sweet & Maxwell.
- Clarkson, CMV, (2005), **Understanding Criminal Law**, Fourth Edition, London: Sweet & Maxwell.
- Cross, Noel, (2010), **Criminal Law & Criminal Justice; An Introduction**, First Published, London: SAGE Publication Inc.
- Keenan, Denis, (2007), **Smith & Keenan's English Law; Text and Cases**, Fifteenth Edition, London: Pearson Education Limited.
- Elliott, Catherine & Quinn, Frances, (2009), **English Legal System**, Tenth Edition, London: Pearson Education Limited.
- _____, (2010), **Criminal Law**, Eighth Edition, London: Pearson Education Limited.
- Geary, Roger, (2002), **Understanding Criminal Law**, First Published, London: Cavendish Publishing Limited.
- Heaton, Russell, (2006), **Criminal Law**, Second Edition, New York: Oxford University Press.
- Herring, Jonathan, (2007), **Criminal Law**, Fifth Edition, London: Palgrave Macmillan.
- _____, (2010), **Criminal Law Statutes 2009- 2010**, First Published, London: Routledge.
- Hornby A S, et al, (2010), **Oxford Advanced Learner's Dictionary of Current English**, Eighth Edition, New York: Oxford University Press.
- [Http://www.legislation.gov.uk/](http://www.legislation.gov.uk/).

- Huxley- Binns, Rebecca, (2009), **Criminal Law**, First Published, New York: Oxford University Press.
- Jefferson, Michael, (2009), **Criminal Law**, Ninth Edition, London: Pearson Education Limited.
- Molan, Mike, (2008), **Cases & Materials on Criminal Law**, Fourth Edition, London: Routledge-Cavendish.
- Siegel, Larry J., (2012), **Criminology**, Eleventh Edition, New York: Wadsworth Cengage Learning.
- Theft Act 1968.
- Theft (Amendment) Act 1996.
- Wild, Ellis, (2006), **Webster's New World Law Dictionary**, New York: Wiley Publishing, Inc.